یادداشت | عیسی محمدی

خودمان را فریب ندهیم

در اینکه کشور ما از حیث جمعیتی دچار مشکلات حادی شده، بحثی نیست. غالب جمعیت‌شناسان کشور روی این گزاره اتفاق نظر دارند که نرخ جایگزینی جمعیت در ایران در سطح استاندارد نیست. اختلافاتی که بین جمعیت‌شناسان وجود دارد، در نحوه و نوع برنامه‌هایی است که می‌تواند منجر به رشد جمعیت شود و نیز در نگاه به آینده که حالا خود بحثی مفصل است و مجالی دیگر برای صحبت می‌طلبد.

استدلالی به نام امنیت اقتصادی

یکی از بدیهی‌ترین استدلال‌هایی که این روزها برای عدم‌فرزندآوری می‌شنویم، عدم‌امنیت اقتصادی و عدم‌اطمینان به آینده و... است. در واقع ترس از نگرانی‌های اقتصادی، باعث شده است تا برخی به سمت و سوی فرزنددار شدن نروند یا به تک‌فرزندی اکتفا کنند. اما آیا چنین استدلالی، درست است؟

استدلالی که درست نیست

اگر درست نباشد چه؟ بدیهی‌ترین واکنش این است که از درستی یک استدلال سؤال بپرسیم؟ قرار نیست که هر چیزی را چشم‌بسته قبول کنیم. این استدلال می‌گوید که بزرگ کردن فرزند، نیاز به امکانات و بنیه مالی و فراغت و... دارد. گزاره‌ای که کاملا درست است. این استدلال می‌گوید باید به آینده اطمینان داشته باشیم تا بتوانیم فرزندآوری کنیم؛ این نیز یک گزاره منطقی و درست است. اما آیا همین‌ها، باعث می‌شوند تا این استدلال، شکل درستی به‌خودش بگیرد؟

پژوهش‌ها از این سخن می‌گویند که رشد جمعیت، ارتباط چندان با دست کم ارتباط معنادار با رفاه اجتماعی و سیاسی ندارد. همین الان به دنیا نگاه کنید؛ مشکل‌دارترین کشورها در حوزه رشد جمعیت، مرفه‌ترین آنها هستند. کشورهای آفریقایی و برخی کشورهای توسعه‌نیافته آسیایی و آمریکای لاتین نیز از بیشترین رشد جمعیت برخوردارند. اینها چطور قابل توجیه است؟

نگاهی به رکورد دهه ۶۰

حتی در ایران خودمان هم اگر دقت کنیم، با وجود مشکلات اقتصادی فراوانی که امروزه گریبانگیر ما شده است اما باز نمی‌توانیم ادعا کنیم که اوضاع اقتصادی و اطمینان به آینده مردم در امروز، نسبت به دهه ۶۰ کمتر بوده است. با این حال رشد جمعیت در دهه ۶۰، عملا رکوردها را جابه‌جا کرد. این چطور قابل توجیه و دفاع است؟

نکته‌ها و گفته‌ها

البته کلام ما این نیست که بله، پس فقیرتر باشیم بهتر است لابد. قصه اصلا نقل این حرف‌ها نیست. به قول معروف، به «یا»، می‌توان به «و» اعتقاد داشت؛ یعنی بهترین حالت آن است که جامعه‌ای مرفه با رشد جمعیت متعادل و قابل دفاع داشته باشید. در این اکیدا بحثی نیست. اما نکته بسیار مهم‌تری که در این میانه مطرح شده است، یک چرخش ذهنی بسیار خطرناک است؛ چرخش ذهنی که ماهیت آن را فردگرایی، سودمحوری و... تشکیل می‌دهد. به واقع همه‌چیز، ماهیتی فلسفی و ذهنی به‌خودش می‌گیرد؛ اینکه من چرا باید فرزنددار شوم و به چه دردم می‌خورد و چه نفعی برایم دارد؟

این گره‌های ذهنی خطرناک

وقتی این چرخش فلسفی و ذهنی خطرناک را دنبال می‌کنیم، می‌بینیم که کاربرد بازنمایی‌های رسانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی و... می‌کند. شما دقت کنید که برخی، چطور از فرزندآوری و کسانی که بیشتر از دو یا سه فرزند دارند، یاد می‌کنند؛ تعبیرهایی شرم‌آور که انسان حتی در بازکرار آنها می‌ماند. چنین نگاهی رفته‌رفته جا می‌افتد که بله، فرزندها مانع پیشرفت ما می‌شوند و چه نیازی به آن‌هاست و... استدلال‌هایی که نفع و سود، محورشان را تشکیل می‌دهند. تفکری که در آن، نگهداری از حیوانات خانگی می‌تواند مشکلی نداشته باشد، ولی نگهداری از فرزندان می‌تواند باعث و بانی اتهام‌های زیادی شود؛ چنانچه نمونه‌های تأسف‌برانگیز آن را هر از چندی مشاهده می‌کنیم.

به پیشواز یک تقابل ادراکی

این به واقع، یک تقابل ادراکی است؛ چرا که درک شهروندان از این مسئله، منجر به تصمیم نهایی آنها می‌شود. وقتی هم که به درک درستی نرسند، قطعا تصمیم درستی هم نخواهند گرفت. قصد نگاه بدبینانه به ماجرا را هم نداریم؛ الزاما کار، کار اغیار نمی‌تواند باشد. گاهی کار، کار خودمان است؛ ایده‌هایی برخاسته از ذهنیت تغییر یافته ما. ذهنیت و فلسفه‌ای که می‌گوید به جای وظیفه‌گرایی، بهتر است سودگرایی را دنبال کنیم؛ به جای منافع آنی، بهتر است منافع آتی را دنبال کنیم و به جای فداکاری در راه اوج گرفتن خانواده و فرزندان‌مان، دنبال فدا کردن آنها برای اوج گرفتن خودمان باشیم. خودمحوری همین چیزهاست دیگر، نه؟

البته که همه‌چیز به‌صورت ضربتی اتفاق نیفتاده است و این تغییراتی که الان داریم توک آن را می‌بینیم، یک کوه عظیم یخی هستند که فرایند شکل‌گیری‌شان از سال‌های گذشته آغاز شده است؛ ولی چون آرام‌آرام جلو آمده کسی متوجه بحران نشده است.

چه باید کرد؟

کمترین کاری که در این میانه می‌توانیم انجام دهیم، تعریف درست صورت مسئله است. اینکه خودمان را فریب ندهیم و باور کنیم که مشکل، فرهنگی‌ذهنی است نه اقتصادی. این ابتدای راه است. گاهی نیم‌نگاهی به برنامه‌های حمایتی صورت گرفته، هر خواننده‌ای را به این نتیجه اولیه می‌رساند که چنین برنامه‌ای، نه تناسبی با صورت مسئله واقعی دارد، نه تناسبی با نتیجه‌گرایی؛ و به نظر می‌رسد از ابتدا قرین موفقیت نخواهد بود. اولین گام، همانا درک واقعیت‌ها و بازتعریفی درست از ماجرا و این بحران است. در این صورت، نوک پیکان برنامه‌ها جنبه فرهنگی و اقناعی خواهد داشت؛ آن هم به قول رهبری، با منطق نو و نه با حرف‌ها و قواعدی که متعلق به دهه‌ها قبل‌تر هستند و عملا مخاطبی ندارد.

آمار شگفت‌انگیز درباره فرزندآوری

نتایج نظرسنجی همشهری ثابت می‌کند مشکلات اقتصادی، دلیل اصلی کاهش جمعیت نیست

نظرسنجی

مسئله فرزندآوری از جمله مسائلی است که همیشه مورد توجه دولت و نهادهای حاکمیتی بوده و اقدامات زیادی در رابطه با افزایش نرخ فرزندآوری در کشور صورت گرفته است. ارائه بسته‌های حمایتی اقتصادی و مشوق‌های اقتصادی فرزندآوری مثل بسته جوانی جمعیت، بخشی از تلاش‌های دستگاه‌های اجرایی در کشور در راستای افزایش نرخ فرزندآوری بوده و هست. نکته مهم‌تر هم در این قضیه، آن است که به این درک می‌رسیم که افزایش و کاهش نرخ فرزندآوری در کشور، بیشتر علل اقتصادی دارد یا فرهنگی؛ نکته‌ای که اگر به‌خوبی درک شود در برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته تغییرات مهمی می‌تواند ایجاد کند. با توجه به اهمیت این موضوع همشهری پیمایشی تلفنی در رابطه با مسئله فرزندآوری انجام داده است. هدف از این پژوهش آن است که تمایل مردم نسبت به فرزندآوری مورد بررسی قرار بگیرد و از نظر مردم مطالعه شود. در همین راستا پرسشنامه‌ای شامل ۴ سؤال تهیه شده است. جامعه آماری این تحقیق، تمامی شهروندان ساکن مناطق ۲۲گانه شهر تهران هستند که شامل ۹۰۲ شهروند تهرانی با میانگین سنی ۴۸ سال بوده. مسئله فرزندآوری از جمله مسائلی است که همیشه مورد توجه دولت و نهادهای حاکمیتی بوده و اقدامات زیادی در رابطه با افزایش نرخ فرزندآوری در کشور صورت گرفته است. در این پیمایش ۴ سوال از شهروندان ساکن مناطق ۲۲ گانه شهر تهران پرسیده شد که ۹۰۲ نفر به آنها پاسخ دادند. گزارش این پژوهش در ادامه ارائه می‌شود.

سؤال اول: به‌نظر شما داشتن فرزند تا چه اندازه می‌تواند در احساس خوشبختی زوجین مؤثر باشد؟

پاسخ‌ها نشان داد ۶۰درصد از پاسخ‌دهندگان معتقدند داشتن فرزند، خیلی زیاد و زیاد می‌تواند در خوشبختی زوجین مؤثر باشد. ۱۴ درصد از پاسخ‌دهندگان گزینه متوسط را انتخاب کردند. ۷درصد معتقد هستند داشتن فرزند به میزان خیلی کم و کم در احساس خوشبختی زوجین تأثیر دارد. ۱۴ درصد نیز معتقد بودند که داشتن فرزند هیچ تأثیری در احساس خوشبختی زوجین ندارد و ۵درصد از پاسخ‌دهندگان در رابطه با این موضوع نظری ندارند.

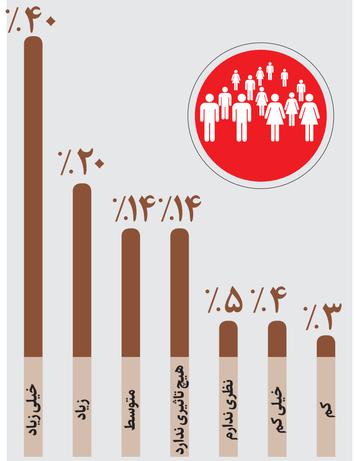

سؤال دوم: شما خودتان دوست دارید چند فرزند داشته باشید؟

پاسخ‌ها نشان می‌دهد که ۸۹درصد از پاسخ‌دهندگان، تمایل به داشتن فرزند دارند که تعداد فرزند دلخواه این افراد به شرح زیر است:

ردیف	دوست دارید چند فرزند داشته باشید؟	درصد
۱	۱ فرزند	۱۴ درصد
۲	۲ فرزند	۳۷ درصد
۳	۳ فرزند	۱۷ درصد
۴	۴ فرزند	۱۸ درصد
۵	۵ فرزند	۵ درصد
۶	بیش از ۵ فرزند	۹ درصد

یک درصد از پاسخ دهندگان ازدواج نکرده اند ولی می خواهند به طور متوسط ۲ فرزند داشته باشند و سایر پاسخ‌دهندگان با هنوز ازدواج نکرده‌اند (۴ درصد) و یا تمایلی به داشتن فرزند ندارند(۶ درصد). (اعداد گرد شده‌اند.)

پیش‌بینی ۴۰ساله

جمعیت ایران تا ۳ دهه آینده و با سناریوهای مختلف باروری چقدر خواهد شد؟

قدرت، در پیش‌بینی است. اگر قدرت پیش‌بینی نداشته باشید، قادر به مدیریت آینده نزدیک و آینده نسبتا دور هم نخواهید بود. این قواعد در مورد جمعیت هم صدق می‌کند؛ چرا که به نوعی مهم‌ترین دارایی هر کشوری محسوب می‌شود. اما درباره ایران، جمعیت و تغییرات جمعیتی، چه مسیری را طی می‌کنند؟ در سال ۱۳۹۶، پژوهشی با عنوان «شبیه‌سازی تغییرات جمعیتی ایران با استفاده از مدل پایه عامل بنیان» توسط امیر آذرفر، عادل آذر و سیده‌زهرا کلانتری انجام شد که نکات جالبی داشت. با هم نگاهی به بخشی از این تحقیق که تغییرات جمعیتی ایران تا سال ۱۴۳۰ را به نسبت میزان باروری تخمین زده است، می‌اندازیم.

پیش‌بینی شبیه‌سازی	باروری ۱.۳ فرزند	باروری ۱.۸ فرزند	باروری ۲.۱ فرزند	باروری ۲.۵ فرزند	
۷۵/۵۸	۷۵/۵۸	۷۵/۵۸	۷۵/۵۸	۷۵/۵۸	۱۳۹۰
۷۶/۴۷	۷۵/۹۰	۷۵/۹۰	۷۵/۹۰	۷۵/۹۰	۱۳۹۱
۷۷/۳۸	۷۶/۹۵	۷۶/۹۵	۷۶/۹۵	۷۶/۹۵	۱۳۹۲
۷۸/۱۳	۷۸/۲۵	۷۸/۲۵	۷۸/۲۵	۷۸/۲۵	۱۳۹۳
۷۹/۰۹	۷۹/۳۴	۷۹/۳۴	۷۹/۳۴	۷۹/۳۴	۱۳۹۴
۷۹/۹۱	۷۹/۴۰	۷۹/۶۰	۷۹/۷۰	۷۹/۸۰	۱۳۹۵
۸۳/۳۸	۸۳/۰۰	۸۳/۴۰	۸۳/۷۰	۸۴/۱۰	۱۴۰۰
۸۷/۱۷	۸۵/۵۰	۸۶/۴۰	۸۷/۱۰	۸۷/۹۰	۱۴۰۵
۸۹/۷۴	۸۷/۳۰	۸۸/۸۰	۸۹/۹۰	۹۱/۳۰	۱۴۱۰
۹۰/۸۶	۸۸/۵۰	۹۰/۸۰	۹۲/۶۰	۹۴/۶۰	۱۴۱۵
۹۱/۱۵	۸۹/۱۰	۹۲/۴۰	۹۵/۰۰	۹۸/۰۰	۱۴۲۰
۹۱/۳۴	۸۸/۹۰	۹۳/۴۰	۹۷/۰۰	۱۰۱/۲۰	۱۴۲۵
۹۲/۰۷	۸۷/۶۰	۹۳/۵۰	۹۸/۴۰	۱۰۴/۳۰	۱۴۳۰

اعداد با مقیاس میلیون
تعیین شده است؛ یعنی عدد ۹۲٫۰۷ را باید ۹۲ میلیون و ۷۰ هزار نفر دانست.

سؤال سوم: آیا از بسته‌های مشوق اقتصادی فرزندآوری اطلاع دارید؟

پاسخ‌ها نشان می‌دهد که ۶۸درصد از پاسخ دهندگان از وجود بسته‌های مشوق اقتصادی در رابطه با فرزندآوری اطلاعی ندارند و تنها ۳۲درصد از پاسخ‌دهندگان، از وجود بسته‌های مشوق اقتصادی فرزندآوری مطلع هستند.

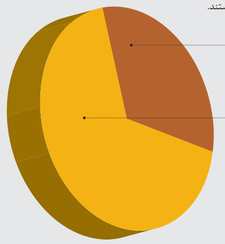

سؤال چهارم: به‌نظر شما مشوق‌های اقتصادی فرزندآوری تا چه اندازه می‌تواند میزان فرزندآوری را در کشور افزایش بدهد؟

۵۳درصد معتقد هستند بسته‌های تشویقی فرزندآوری هیچ تأثیری در میزان فرزندآوری در کشور ندارد. ۱۳درصد از پاسخ‌دهندگان وجود مشوق‌های اقتصادی فرزندآوری مثل بسته جوانی را به میزان کم و خیلی کم در میزان فرزندآوری مؤثر می‌دانند، ۱۰درصد از پاسخ‌دهندگان در رابطه با این پرسش گزینه متوسط را انتخاب کرده‌اند، ۱۲درصد از پاسخ‌دهندگان به میزان زیاد و خیلی زیاد مشوق‌های اقتصادی فرزندآوری را در میزان فرزندآوری مؤثر می‌دانند و ۱۱درصد از مردم در این رابطه نظری ندارند.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مردم در مجموع، نگرش مثبتی نسبت به مسئله فرزندآوری دارند. پاسخ‌های به‌دست آمده همچنین نشان می‌دهد که ۶۰درصد از مردم تأثیر وجود فرزند در احساس خوشبختی زوجین را مهم ارزیابی می‌کنند که این خود حاکی از نگرش مثبت مردم نسبت به مقوله فرزندآوری است. این نتایج حکایت از وجود بستری مناسب در میان خانواده‌هاست و دست‌اندرکاران می‌توانند با اقدام برای رفع موانع مختلف، شرایط خانواده‌ها برای فرزندآوری را تسهیل کنند. از دیگر سو حدود ۴۰درصد از پاسخگویان معتقدند داشتن فرزند، تأثیری متوسط یا اندک بر احساس خوشبختی زوجین دارد که این جنبه از مسئله فرزندآوری ارتباطی مستقیم با جنبه‌های اقتصادی و معیشتی ندارد و نیازمند تدابیر فرهنگی خاص خود است. نتیجه جالب توجه این نظرسنجی بی‌اطلاعی اکثر مردم از بسته‌های تشویقی اقتصادی در خصوص فرزندآوری است. از سوی دیگر اکثر شرکت‌کنندگان در این پیمایش (۶۶درصد) معتقدند مشوق‌های اقتصادی تأثیر ویژه‌ای بر فرزندآوری ندارد. این واقعیت گواهی است بر ضرورت شکل‌گیری حمایتی چندجانبه از فرزندآوری که اعم از مباحث اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ای است. در پایان باید گفت که سیاست‌های تشویقی فرزندآوری باید مبتنی بر فهم درستی از تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور باشد. درواقع، تمرکز صرف بر یک جنبه و بی‌توجهی به سایر ابعاد مسئله فرزندآوری، امکان اثربخشی سیاست‌های تشویقی را کاهش داده است.

تمایل به بی‌فرزندی در همه قومیت‌ها ناچیز است

الگوهای فرهنگی و شرایط زیستی متفاوت در میان قومیت‌های مختلف کشور باعث شده ترجیحات فرزندآوری آنها با یکدیگر تفاوت‌هایی داشته باشد. یکی از معدود تحقیقات جامع را درباره ارتباط قومیت با الگوهای فرزندآوری، یعقوب فروتن و سمیه میرزایی انجام داده‌اند. در این تحقیق جمعیت نمونه تحقیق را ۳۷۲۲نفر از مردان و زنان ۱۵ساله و بالاتر ساکن در نقاط شهری و روستایی شهرستان‌های اسفراین، اهواز، بابلسر، بجنورد، خرم آباد، سقز، کامیاران، گنبدکاووس، محمودآباد و همدان تشکیل می‌دهند. با هم نیم‌نگاهی به نتایج این تحقیق انداخته‌ایم تا ببینیم که نگاه قومیت‌های مختلف به فرزندآوری چگونه است.

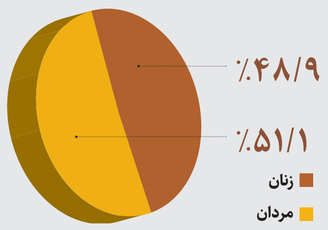

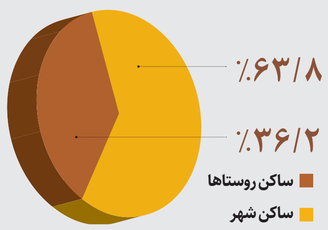

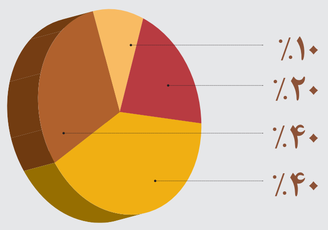

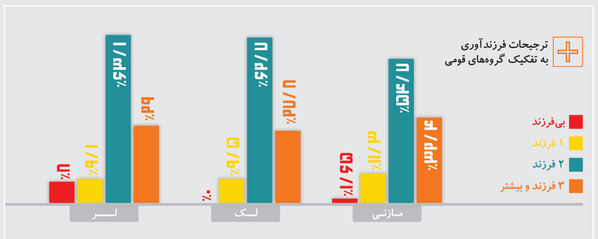

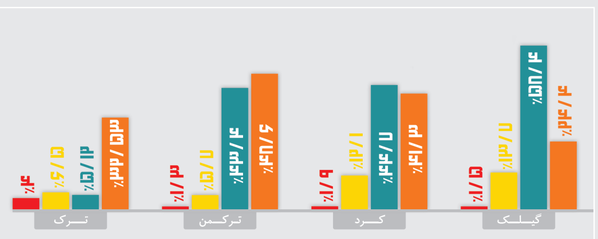

گزارش

قوانین جوانی جمعیت بر زمین نمانند

بعضی از قوانین فرزندآوری از ضمانت اجرایی برخوردار نیستند

از نخستین یاری که رهبر معظم انقلاب لزوم توجه به پنجره جمعیتی کشور و خطرات کاهش جمعیت را به دولتمردان گوشزد کردند، بیش از یک دهه می‌گذرد. بر مبنای رهنمودهای ایشان دولت‌های وقت قوانین مختلفی وضع کردند که در وضع و اجرا سیر تکاملی پر فراز و نشیبی را طی کرده و پس از آزمون و خطاهای بسیار به تصویب قانون جوانی جمعیت و حمایت از خانواده انجامیده که در مجلس یازدهم شورای اسلامی به سرانجام رسیده است. این قانون در کنار مزایا و محاسن خود، به پاره‌ای از نقایص قانونگذاری و کمبود ضمانت‌های اجرایی مبتلاست که سبب شده بعضی از مواد آن بر زمین بمانند.

قانون بر زمین مانده

در نخستین روزهای کاری دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی طرحی که بعدا با عنوان «جوانی جمعیت و حمایت از خانواده» نامگذاری شد، با امضای ۱۰۰ نفر از نمایندگان اعلام وصول شد. این طرح با محتوای محدودتری، ۱۰ سال قبل در شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب و به توصیه مقام معظم رهبری برای پیگیری و نظارت قوی تر به مجلس آمده بود، اما در دو دوره پیشین مجلس به سرانجام نرسید. پس از امر و تأکید مجدد ایشان در نخستین دیدار با نمایندگان دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی در تیرماه ۱۳۹۹، مجلس با جدیت بیشتر و براساس درکی صحیح از اهمیت و فوریت مسئله این طرح را دنبال کرد. این طرح که پس از تصویب در مجلس به‌صورت قانون درآمد، با تدوین موادی شامل پرداخت بیمه درمان ناباروری، پرداخت وام تولد فرزند، بیمه سلامت مادر و فرزند، مرخصی‌های تحصیلی، امتیازهای حق سنوات و بازنشستگی مادران، تعیین مرخصی ۹ماهه زایمان برای مادران بخش دولتی و خصوصی و بسیاری از موارد دیگر شرایط فرزندآوری را برای بسیاری از زوجین تسهیل کرد، اما اگر چه برخی از مواد قانون برای حمایت از مادران شاغل تدوین شده‌اند، ولی چگونگی حمایت و نحوه اجرا و تبعات آن جای تأمل دارد.

راه‌های گریز از اجرای ماده ۱۷

از جمله مواد حمایتی این قانون، ماده ۱۷ است که به حمایت از مادران شاغل اختصاص یافته و احکام صادره برای همه بخش‌های عمومی، خصوصی، دولتی و غیردولتی لازم‌الاجرا دانسته شده است. در این ماده ضمن افزایش مرخصی زایمان به ۹ماه بر امنیت شغلی مادران در طول دوره بارداری، زایمان و شیردهی تأکید شده است. البته این حمایت قانونی روی کاغذ از اشتغال مادران، جدید نیست و قبلا نیز وجود داشته، اما چون ضمانت اجرایی ندارد، به‌راحتی از طرف کارفرمایان و مدیران قابل نقض است و در گذشته هم به اخراج گسترده زنانی انجامیده که از مرخصی استفاده کرده بودند. علاوه بر این رأی صادره هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۲ مهر ۱۳۹۶ دستورالعمل اداره کل روابط کار و جبران خدمت وزارت کار مبنی بر ممنوع‌بودن اخراج کارگران زن پس از مرخصی زایمان و پایان دوسالگی کودک را باطل کرده و به این ترتیب عملا حمایت قانونی برای کارگران زن تاکنون امکان‌پذیر نبوده است. واقعیت این است که ماده ۱۷ طرح جوانی جمعیت حداکثر می‌تواند شامل حال زنان کارمند دولت و زنانی شود که با قراردادهای قانونی به‌کار مشغول هستند و برای سایر زنان فاقد قرارداد چندان سودمند نیست. در رأی دیوان عدالت اداری تصریح شده که این نحوه حمایت از مادران عملا نتیجه معکوس خواهد داشت و باعث حذف تدریجی کارگران زن از محیط‌های کار و تولید خواهد شد.

همه طبقات اجتماعی درنظر گرفته نشده

در قانون جوانی جمعیت حدود یک چهارم تشویق‌ها و امتیازاتی که برای فرزندآوری و ازدواج درنظر گرفته شده صرفا برای کارمندان نوشته شده است. (مانند دو برابر شدن زمان استفاده از مزایای سازمانی، افزایش حق اولاد، حق عائله‌مندی و...) و در اختصاص این مشوق‌ها سایر شاغلان به خوبی درنظر گرفته نشده‌اند. در این قانون برای استفاده از بسیاری از امتیازات اصلی ارائه شده از قبیل دریافت زمین، دریافت بدون نوبت خودرو، تسهیلات مسکن و... لازم است حداقلی از بهره‌مندی و یا توان پرداخت اقساط وجود داشته باشد که ممکن است خانواده‌های محروم از آن بی‌بهره بمانند و امکان دارد با اجرای قانون عدالت اجتماعی به خوبی محقق نشود.

باورهای فرهنگی که مسیر قانون را سد می‌کنند

در این قانون دخالت‌ها و محدودیت‌های قهری مانند الزام به زایمان طبیعی دیده می‌شود که ممکن است بعضی از مادران را در اصل بارداردشدن هم مردد کند و به‌نظر می‌رسد در این قانون به نقش بارداردنده این محدودیت‌ها چندان توجه نشده است. ایراد دیگری که توسط منتقدان به این قانون وارد می‌شود نقص جدی معیارهای فرهنگی این قانون است. براساس مطالعات الگوی زیست خانواده که درسال ۹۵ توسط جهاد دانشگاهی تهیه شده، خانوارهای ایرانی همچنان به الگوی مسئول نان‌آوری خانواده که مرد است، باور دارند. بنابراین باوجود چنین الگویی طبیعی است مردان در برابر اضافه شدن هزینه خانوار به‌ویژه با توجه به تغییرات الگوی تربیت فرزندان که هزینه‌راست، مقاومت کنند.